

بررسی تطبیقی پدیده‌ی فقر در "اشک یتیم" پروین اعتصامی و «تنویمه الجیاع» محمد مهدی جواهری

دکتر علی نوروزی^۱

طلیعه شوقی^۲

چکیده:

فقر، از پدیده‌های ناخوشایند و دردناک اجتماعی است که همواره در کانون توجه انسان‌های متعهد قرار دارد. این مقاله پدیده‌ی فقر را در "قطعه‌ی اشک یتیم" پروین اعتصامی و "تنویمه الجیاع" محمد مهدی جواهری با محوریت موضوعات زیر مقایسه می‌کند:

- علت اهتمام خاص دو شاعر به این پدیده.

- وجوه تشابه و تمایز توصیف شاعرانه فقر.

- نقش جنسیت دو شاعر در گزینش مؤلفه‌های تصویرگری هنری در ترسیم چهره‌ی فقر.

هر دو، استبداد حاکمان خودکامه را از عوامل اصلی پیدایش فقر و دیگر نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌دانند. لحن پروین عاطفی، و همراه با ایجاز و عمق است و تکرار، توییح و تهکم بر لحن جواهری غلبه دارد.

واژگان کلیدی: پروین، جواهری، فقر، استبداد

مقدمه:

پروین اعتصامی و محمد مهدی جواهری شاعران معاصر و برجسته‌ی ایران و عراق هستند که در اشعارشان همواره روحیه‌ی نارضایتی از جامعه و حاکمان پیدادگر به چشم می‌خورد. جامعه‌ی پر از تضاد و ظلم، ایشان را ناگزیر کرده تا با نگاهی نقادانه از اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر انتقاد کنند و بهترین اشعار سیاسی - انتقادی را بسرایند. در این جستار می‌کوشیم علت پرداختن به مقوله‌ی "فقر" را در شعر "اشک یتیم" پروین و قصیده "تنویمه الجیاع" جواهری دریابیم.

پیشینه‌ی تحقیق

پیش از این، هیچ مقاله و پایان‌نامه‌ای را مشاهده نکرده ایم که این دو شخصیت را با هم مقایسه کرده باشد اما درباره‌ی هر یک از اینان، مقالات و پایان‌نامه‌های مستقل پرشماری نگارش شده است. از جمله مقالاتی که در این جستار از آن بهره مند گشته ایم عبارتند از: "نقد مظالم اجتماعی در شعر جواهری" از دکتر ایروانی زاده، اصلانی و روان شاد (۱۳۸۸) و هم چنین "بررسی تطبیقی پدیده‌ی فقر در شعر پروین و معروف رصافی" از فاروق نعمتی (۱۳۹۰). بر خلاف دو مقاله یادشده، وجه امتیاز مقاله حاضر، تحلیل بیشتر ابیات قصیده "تنویمه الجیاع" است.

زندگی دو شاعر

«محمد مهدی جواهری در سال ۱۹۰۰ م در نجف به دنیا آمد» (محمد مهدی جواهری، شاعر العراق الاکبر، ۷). و «در سال ۱۹۹۷ م در سوریه در گذشت» (الجواهری، رحله الشعر و الحیاه، ۱۹۶).

جواهری دیوان خود را در سال ۱۹۲۷ م به چاپ رساند.

او شاعری است با اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی. از ویژگی‌های بارز اشعارش، پرداختن به مشکلات عصر مثل فقر، بی‌عدالتی، فاصله‌ی طبقاتی، وطن، نبود آزادی‌های سیاسی، عدم استقلال و وابستگی به ابرقدرت‌ها می‌باشد. او در قصیده‌ی "تنویمه الجیاع" به خوبی موضوع فقر و بی‌عدالتی را به تصویر کشیده است.

۱- استادیار دانشگاه فردوسی مشهد گروه زبان و ادبیات عربی
Norozi1387@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات تطبیقی
t.shoghi.ferdosi90@gmail.com

و تقریباً در همان زمانی که جواهری در عراق، متولد شد، پروین (رخشنده) اعتصامی، در ایران زاده شد. او در سال ۱۲۸۵ هـ ش در تبریز به دنیا آمد و در فروردین ۱۳۲۰ ش در سن سی و چهار سالگی درگذشت (کراچی، ۴: ۱۳۸۳-۳). پروین در زندگی شخصی‌اش دچار شکستی شد اما این موضوع، هرگز او را از پرداختن به مسایل و مشکلات اجتماعی غافل نکرد (ترابی، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

دوران زندگی کوتاه پروین در حکومت استبدادی گذشت (دهباشی، ۱۳۷۰ ش: ۲۸۶-۲۸۵).

دیدگاه پروین و جواهری پیرامون پدیده‌ی فقر

وظیفه‌ی خطیر حکومت‌ها، ایجاد محیطی مناسب برای پرورش استعدادها، تربیت انسان‌ها، ایجاد آرامش، امنیت، برقراری عدالت همگانی و رفع فقر در جامعه می‌باشد. یکی از عوامل پیدایش فقر در جوامع، بی‌توجهی حاکمان نسبت به فقر، تنگدستی و وضعیت معاش مردم می‌باشد. جواهری و پروین، پیدایش فقر را دلیلی بر سهل‌انگاری و غفلت حاکمان نسبت به اوضاع جامعه و مردم می‌پندارند.

«محمد مهدی جواهری، سراینده‌ی بزرگ عرب، از جمله شاعرانی است که توانسته وضعیت ناهنجار جامعه‌ی عراق را در قرن بیستم میلادی به خوبی، به تصویر بکشد» (الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث، ۲۶۴). او پیوسته مخالف سیاست‌های استعمارگرانه‌ی بریتانیا بود مبارزات پیوسته‌ی او ضد حکومت عراق باعث شد که عراق را ترک کند و به سوریه برود. (محمد مهدی جواهری، شاعر العراق الاکبر، ۱۰).

جواهری توانست پیوندی عمیق با جامعه‌ی خویش برقرار سازد و سروده‌های بسیاری در نقد مسایل اجتماعی از خود به یادگار گذاشت. هم‌چون رصافی، شاعر معاصرش بیشتر از آنکه شاعری تأثیرگذار باشد، تأثیرپذیر بود؛ به گونه‌ای که با دیدن شرایط و اوضاع پرتلاطم جامعه‌اش، مخالفت‌ها و نگرانی‌های خود را در قالب شعرهایش منعکس می‌کرد. از جمله در قصیده «تنویمه الجیاع» که به خوبی اوضاع بحرانی جامعه‌ی عراق را در دهه‌ی بیستم میلادی به تصویر کشیده است.

آنچه قصیده‌ی «تنویمه الجیاع» را برجسته کرده و ساختارش را متمایز گردانیده است، عنصر عاطفه نیست بلکه اندیشه‌ای مستحکم است که در پس آن نهفته است. عنوان قصیده حالتی طنزگونه را به ذهن متبادر می‌سازد. شاعر با استفاده از هیپنوتیزم گرسنگان جامعه را به خوابی عمیق فرا می‌خواند. خوابی که سراسر بیداری و تنبیه را به همراه دارد. شاعر با فراخوان عمومی مردم به خواب، قصد تحریک و بیداری روح‌های خفته، انسان‌های غافل و بی‌متعهد جامعه را دارد.

در سراسر قصیده بانگ «نامی جیاع الشعب نامی» (بخوابیدای ملت گرسنه بخوابید) طنین‌انداز است. در واقع شاعر از افعال معکوس استفاده کرده است. گو این که «نامی» استعاره‌ای تهکم‌ی برای فعلی مانند «هَبَّی» است تا از یک سو با لحن تهکم آمیز، غیرت و حمیت را در آنان برانگیزد و هم غیر مستقیم آن‌ها را به بیداری دعوت کند، تمام آمال ملت گرسنه را که در بیداری انتظارش را می‌کشند در عالم رویا و خواب به بهترین شکل برایشان طراحی می‌کند. سراسر قصیده انعکاس اندوه درونی شاعر است و این اندوه را در لحن گزنده و سرزنشگرانه جواهری می‌توان مشاهده کرد.

۱- "نامی جیاع الشعب نامی حَرَسَتْكَ آلَهُ الطَّعَامِ

"بخوابید ای ملت گرسنه! بخوابید. خدایان غذا از شما پاسداری می‌کنند."

۲- "نامی فإِنْ لَمْ تَشْبَعِي مِنْ يَقْظَةٍ فَمِنْ الْمَنَامِ

"بخوابید که اگر در بیداری سیر نشدید، در خواب سیر می‌شوید."

۳- "نامی علی زُبْدِ الوعودِ يُدَافُ فِي عَسَلِ الْكَلَامِ

"بخوابید با وعده‌های دروغینی که با سخنان عسل گونه آمیخته می‌شود."

۴- "نامی تَزْرُكِ عَرَائِسَالِ أَحْلَامِ فِي جُنْحِ الظَّلَامِ

"بخوابید تا در دل تاریکی‌ها و سیاهی شب، رویاهای زیبا ببینید"

۵- "تَتَنَوَّرِي قُرْصَ الرِّغِيفِ كَدَوْرَةَ البدرِ التَّمَامِ

"و قرص‌های نان را هم چون گردش ماه شب چهارده ببینید."

۶- "و تَرَى زَرَائِبَكَ الفِسَاحِ مُبَلِّغَاتِ بالرُّخَامِ

"و طویله‌های وسیعتان را فرش شده از مرمر ببینید."

(مختارات من الشعر العربي الحديث، ۱۹۶۹: ۳۴)

او حاکمان مستبد و خودکامه را که تنها به منافع خویش، می‌اندیشند، به سخره گرفته و آوایشان را به وزوز پشه تشبیه کرده برای گرسنگان در عالم خواب، بالشتی از خاک، تشکی از سنگ و ملحفه‌ای از سایه‌ی ابرها را فراهم می‌سازد. به آنان گوشزد می‌کند که "تا زمانی به خفت و خواری مستبدان تن در داده و تسلیم را پیشه‌ی خویش قرار دهید، وضعیتتان به همین شکل خواهد بود."

۷- "نامی عَلَى نَعَمِ البَعُوضِ كَأَنَّهُ سَجَعُ الحَمَامِ

"با وزوز پشه‌ها بخوابید گویا که آواز خوش کبوتران است!"

۸- "نامی عَلَى مَهْدِ الأذَى وَ تَوَسَّدِي خَدَّ الرِّغَامِ

"در گهواره آزار و اذیت بخوابید و سطح خاک را بالشت خویش کنید."

۹- "وَ اسْتَفْرَشِي صُمَّ الحَصِي وَ تَلَحُّفِي طَلَّلَ الغَمَامِ

"و سنگریزه‌های سخت را بستر خویش گردانید و سایه‌های ابرها را ملحفه‌ی خویشتن." (همان)

به آنان هشدار می‌دهد که فریب اندرزهای دروغین حاکم مستبد را نخورند و به سخنان پراز دروغ و تزویر آمیخته به عسل غره نشوند که البته لحنی طنزگونه دارد

۱۰- "نامی وَ سِیرِي فِي مَنَامِكِ مَا اسْتَطَعْتَ إِلَى الأَمَامِ

"بخوابید و در خواب تا جایی که می‌توانید به پیش قدم بردارید."

۱۱- "یُوصِيكَ أَن تَلْتَطَعْمِي مِنْ مَالِ رَبِّكَ فِي حَطَامِ

"به شما توصیه می‌کند که از نعمت پروردگارتان به مال بی ارزش چشم طمع نداشته باشید"

۱۲- "يُوصِيكَ أَنْ تَدْعِيَ المَبَاهِجِ وَ اللذَائِدَ لِلنَّامِ

"آینده به شما سفارش می‌کند که شادی‌ها و لذات را برای فرومایگان واگذارید."

... (همان، ۳۵)

پراکندگی و تفرقه‌ی جمعیتشان را به رخشان می‌کشد و به آن‌ها می‌گوید:

۱۳- "نامی جِبَاعِ الشَّعْبِ نامی النُّومِ مِنَ نَعَمِ السَّلَامِ

"بخوابید ملت گرسنه بخوابید! خواب از نعمتهای صلح است."

۱۴- "تَوَحَّدُ الأَحْزَابُ فِيهِ وَ يَتَّقِي خَطَرَ الصِّدَامِ

"تمام احزاب در خواب با هم متحد می‌شوند و از خطر برخورد و مقابله پرهیز می‌شود."

۱۵- "نامی فَإِنَّ صِلَاحَ أَمْرِ فَاسِدٍ فِي أَنْ تَنَامِي

"بخوابید که صلاح کار نابسامان در این است که بخوابید!" (همان، ۳۶)

او روشنفکران را تنها و بی‌حامی می‌بیند. از این رو در دفاع از ایشان، داد سخن می‌دهد که چرا روشنفکران را

همراهی نمی‌کنید و به تدارک حقوق از دست رفته‌تان برنمی‌خیزد با لحنی تمسخرآمیز آنان را مورد عتاب قرار می‌دهد چون تمام مسئولیت دفاع از مردم و جامعه را بر دوش روشنفکران قرار داده‌اند.

وزن شعر آیینی‌ای طبیعی از احساس خشم شاعر است. جواهری برای بیان و بروز مسائل و مشکلات عصر از قالب قصیده بهره‌جسته است. همان‌طور که در ساختار قصیده به چشم می‌آید، روحیه وطن‌گرایی شاعر در سراسر شعر به چشم می‌خورد. او در شعرش، مردم را با اسلوبی سرشار از خشم و شورش، به درهم شکستن نظام‌های ستمگر که منجر به از بین رفتن فاصله‌ی طبقاتی می‌شوند، ترغیب می‌نماید و در پایان قصیده شاعر بیان می‌دارد که این حرف‌ها، برای انسان‌هایی که در خواب غفلت به سر می‌برند بسی بیهوده است.

۱۶- "أعطى القيادة للقضاء و حَكَمِيهِ فِى الزَّمَامِ

۱۷- "و استسلمى للحادثات المشفقاتِ على أَيْامِ"

"رهبری را به قضا و قدر بسپارید و آن را مالک زمام امور خود قرار دهید.

تسلیم حوادث شوید، حوادثی که در هنگام خواب بر شما رحم می‌آورند."

۱۸- "إِنَّ الْيَقْظَ لَوِ عَلِمْتَ طَلِيعَةُ الْمَوْتِ الزُّوَامِ

"هشیاری - اگر بدانید - سرآغاز مرگ وحشتناک است."

۱۹- "نَامِي شَدَاةَ الطَّهْرِ نَامِي يَا ذُرَّةَ بَيْنِ الرُّكَامِ

"بخوابید ای رایحه‌های معصومیت بخوابید! ای مروارید در میان کلوخ‌ها!"

۲۰- "يَا نَبْتَةَ الْبَلْبُوبِ يَا وَرْدًا تَرَعْرَعُ فِي اهْتِضَامِ

"ای نهال محنت! و ای گل سرخی که در میان خواری بالیده"

۲۱- "يَا حُرَّةً لَمْ تَدْرِ مَا مَعْنَى اضْطِعَانٍ وَ انْتِقَامِ!

"ای آزاده‌ای که معنای کینه‌و انتقام را نمی‌دانی". (مختارات من الشعر العربی الحدیث، ۱۹۶۹: ۳۷)

۲۲- "نَامِي فَقَدْ حُبَّ الْعَمَاءِ عَنِ الْمَسَاوِيءِ وَ التَّعَامِي

"بخوابید که ندیدن معایب و ناگواری‌ها بهتر است."

۲۳- "نَامِي فَبِئْسَ مَطَامِعُ الْوَاعِينِ! مِنْ سَيْفِ كَهَامِ

"بخوابید که طمع ورزی‌های هشیاران، شمشیری است بس کند"

۲۴- "نَامِي: إِلَيْكَ تَحِيَّتِي وَ عَلَيْكَ، نَائِمَةٌ سَلَامِي

"بخوابید: سلامم بر شما باد و درود من بر شما خواب زدگان" (همان ۳۸)

پروین نیز در شعر خود، حاکمان بیدادگر را دلیلی محکم بر گسترش فقر در بین مردم و جامعه می‌داند. او مدافع رنجبران و زحمتکشان است اما با فریادی ناتوان در حد ناله و شکایت (کراچی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). پروین را "شاعر عاطفه‌ها" نامیده‌اند. مهمترین دغدغه انسانی پروین، فروپاشی اخلاق و دردآورترین مسئله زندگی او نابرابری و بی‌عدالتی در جهانی است که ارزش انسان نادیده گرفته می‌شود به ویژه در شعر "اشک یتیم" موضوع بی‌عدالتی و فقر مسلط بر جامعه را به خوبی کشیده، حضور حاکمان مستبد در عرصه‌ی حکومت بسیار پررنگ است و یتیمانی که در جامعه حضور دارند گواهی بر این مدعاست.

فریادشوق بر سرهر کوی و بام خاست
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
پیداست آنقدر که متاعی گران‌بهاست
این اشک دیده‌ی من و خون دل شماست

"روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
نزدیک رفت پیرزنی کوژپشت و گفت

بر قطره‌ی سر شک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

پروین، به کجروان سخن از راستی چه سود

کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست"

(کراچی، ۱۳۸۳: ۸۱)

همان طور که می‌بینیم کلمات و ترکیبات در شعر پروین به نوعی با عواطف زنان ارتباطی تنگاتنگ دارد.

پروین برای برانگیختن عواطف مخاطب از دو نوع ترکیب سود جسته:

(۱) ترکیب وصفی: کودک یتیم، پیرزن کوژپشت.

(۲) ترکیب اضافی: سرشک یتیمان، اشک دیده، روشنی گوهر، خون دل، فریاد شوق

دقت در این ترکیب‌ها نشان می‌دهد پروین آگاهانه و از روی قصد آنها را برگزیده است. ترکیب وصفی "کودک یتیم" بار عاطفی مضاعف خود را دارد به گونه‌ای که در برانگیختن حس شفقت، بیشترین تأثیر را دارد؛ زیرا خود کلمه "کودک" به تنهایی بیانگر عطوفت و معصومیت است و با توصیف آن به کلمه "یتیم"، احساسی عمیق را در خواننده ایجاد می‌کند. همچنین است کلمه "پیرزن" که با توصیف آن به "کوژپشت" این معنا را می‌رساند که در زیر بار سنگین فقر و تنگدستی کمر خم کرده است. نکته درخور توجه این است که واژگان مورد استفاده پروین را حتی اگر به صورت منفرد در نظر بگیریم به تنهایی بعد عاطفی خاص خود را دارند، واژگانی مانند: کودک، پیر، زن، یتیم؛ اما پروین با مهارت تمام در گزینش توصیفات، تأثیر آنها را به اوج برده است و تمام معنای مورد نظر خود را با این توصیفات به مخاطب رسانده است. ضمن این کلمات پیرزن، کودک یتیم با عواطف سرشار از مهر زنانه تناسب بیشتری دارد.

نکته قابل توجه دیگر اشاره به مسأله فقر فرهنگی است که خود از پیامدهای فقر مادی است آن جا که در سؤال از

چسبیتی آن "گوهر تابناک" یکی پاسخ می‌دهد:

پیداست آنقدر که متاعی گران‌بهاست

آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست

لحن پروین دارای ایجاز است. عاطفه در شعرش عنصری برجسته است. انگیزه‌ها و احساسات را بر می‌انگیزاند. او از این عنصر برای بیان اوضاع جامعه و اهدافش استفاده می‌نماید. "همانطور که از شعرش پیداست، افکار سالکین بزرگ اجتماعی (سوسیالیست‌ها) در آثارش تأثیر دارد." (آرین‌پور، ۵۴۳: ۷۶)

پیام پروین در این شعر این است که با آن‌ها که از راه صواب منحرف گشته‌اند سخن از راستی و درستی فایده‌ای ندارد چرا که آنان تاب شنیدن حقیقت را ندارند.

باید یادآور شد پروین اعتصامی، شاعری فقیرنواز است و درون‌مایه‌ی اشعارش بیشتر متوجه موضوع فقر در جامعه می‌باشد و همیشه خویش را جزئی از یتیمان و افراد محروم جامعه دانسته و با ایشان همدردی می‌کند.

نتیجه گیری:

- ۱- هر دو، وجود حاکمان بیدادگر را از عوامل اصلی پیدایش فقر در جامعه و مردم می‌دانند. از این رو مردم را با لحنی اعتراض آمیز به انقلاب علیه نظام‌های استبدادی تحریک می‌کنند.
- ۲- پروین و جواهری دو چهره‌ی برجسته در ادبیات ایران و عراق می‌باشند. هر دو، در قالبی کلاسیک اندیشه‌هایشان را در تصویری بدیع ارائه کرده‌اند. در اشعارشان روحیه نارضایتی از اوضاع زمانه و اندوه طبقات ستم کشیده موج می‌زند. با این تمایز که در اشعار پروین فقر، عنصری پررنگ است اما روحیه استعمار ستیزی، سیاست و وطن گرایی بر شعر جواهری غلبه دارد.
- ۳- لحن پروین عاطفی، همراه با ایجاز و عمق است. وجود عواطف خاص زنانه در شعر باعث می‌شود که سایر عناصر هم تحت تاثیر قرار گرفته و رنگو بویی از زنانگی به خود بگیرند اما تویخ و تهکم بر لحن جواهری غلبه دارد. آنچه که ساختار شعرش را متمایز گردانیده، اندیشه‌ی استواری است که در ماورای الفاظ به چشم می‌خورد.

فهرست منابع:

- کراچی، روح انگیز، پروین اعتصامی. شیراز: انتشارات داستان سرا. ۱۳۸۳
- اعتصامی، پروین. دیوان پروین اعتصامی (قصائد - مثنویات و تمثیلات - مقطعات). به کوشش: منوچهر مظفریان. تهران: موسسه‌ی چاپ و انتشارات علمی.
- دهباشی، علی (۱۳۷۰ ش)، یادنامه‌ی پروین اعتصامی، ج ۱، تهران، دنیای مادر.
- ترابی، علی اکبر (۱۲۸۵ ش)، جامعه شناسی ادبیات فارسی، ج ۵، انتشارات فروزش.
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۶ ش)، از نیما تا روزگار ما، ج ۳، تهران، زوآر.
- بیضون، حیدر توفیق. (۱۹۹۳ م). محمد مهدی الجواهری شاعر العراق الاکبر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دیب، علی حسن (۲۰۰۴ م). الجواهری رحله الشعر و الحیاه. بیروت: موسسه المناره.
- الجبوسی، سلمی الخضراء (۲۰۰۱ م). الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث. بیروت: مرکز در اسات الوحده العربیه.
- بدوی، مصطفی (۱۹۶۹). مختارات من الشعر العربی الحدیث. بیروت: دار النهار
- شایب، احمد (بی تا). اصول النقد الادبی. قاهره: مکتبه النهضه المصریه

مقالات:

- ایروانی زاده، عبدالغنی؛ اصلانی، سردار؛ روان شاد، علی اصغر. (۱۳۸۸، زمستان). «نقد نظام اجتماعی در شعر جواهری». در بانک اطلاعات نشریه کشور (ایران). دوره جدید. شماره ۲۶. (پیاپی ۲۳). زمستان. ص ۷۳.
- زرکوب، منصوره (۱۳۸۱). «بازتاب استعمار ستیزی در شعر معاصر عرب بین دو جنگ جهانی». در مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. شماره ۲۴